

رابطه بین تفاوت مالیات تشخیصی و ابرازی و ریسک شرکت با توجه به نقش سهامداران نهادی

دکتر صابر جلیلی

استادیار گروه حسابداری، واحد شهر قدس، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
accounting.jalili@yahoo.com

دکتر مهدی ابراهیمی مقدم

استادیار گروه حسابداری، واحد شهر قدس، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
mebrahimi061@gmail.com

سید حسین نظری حسینی

کارشناسی ارشد حسابداری، واحد شهر قدس، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول).
hoseinnazari93@gmail.com

چکیده

ریسک شرکت از عوامل مختلفی تاثیر می پذیرد. یکی از مهم ترین عواملی که می تواند ریسک یک شرکت را تحت تاثیر قرار دهد، شرایط محیط فعالیت شرکت است. در شرایط عدم اطمینان و ناپایداری سیاسی و اجتماعی، ریسک شرکت به شدت افزایش پیدا می کند. ریسک به معنی ناتوانی در پیش بینی آینده است. هرچه عدم اطمینان بیشتر باشد، ریسک شرکت نیز بیشتر است. از این رو، هدف پژوهش حاضر اثر رابطه بین تفاوت مالیات تشخیصی و ابرازی و ریسک شرکت با توجه به نقش سهامداران فعال (نهادی) است. این پژوهش از نظر هدف کاربردی و از نظر ماهیت تحلیلی می باشد. برای جمع آوری داده های آن از صورت های مالی شرکت های بورس اوراق بهادار تهران و برای تحلیل آن ها از نرم افزار ایویوز نسخه ۱۰ استفاده شده است. نمونه آماری پژوهش ۱۰۵ شرکت از شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال های ۱۳۹۵ الی ۱۴۰۱ می باشد. یافته های این پژوهش نشان می دهد که تفاوت مالیات تشخیصی و ابرازی منجر به افزایش ریسک شرکت می گردد. همچنین سهامداران نهادی منجر به تضعیف رابطه بین مالیات تشخیصی و ابرازی و ریسک شرکت می گردد.

واژگان کلیدی: ریسک شرکت، تفاوت مالیات تشخیصی و ابرازی، سهامداران نهادی.

مقدمه

شرکت ها به دلایل مختلف تمایل به کاهش پرداخت مالیات دارند. مالیات به عنوان یک هزینه مهم در شرکت ها شناسایی شده و منجر به کاهش منافع و سود شرکت می گردد. به همین سبب، شرکت ها تلاش می کنند که با روش های مختلف نسبت به کاهش پرداخت مالیات اقدام نمایند. یکی از شیوه های اندازه گیری اجتناب مالیاتی در شرکت، تفاوت مالیات تشخیصی و ابرازی است. تفاوت مالیات تشخیصی و ابرازی در واقع نشان دهنده تفاوت بین مالیات اعلامی در صورت های مالی شرکت و مالیات تشخیص داده شده توسط مأمورین مالیاتی است. هرچه تفاوت بین مالیات تشخیصی و ابرازی بیشتر باشد، اجتناب مالیاتی شرکت نیز بیشتر است (وهاب^۱ و همکاران، ۲۰۲۲). با توجه به این که مالیات یکی از مهم ترین منابع دولت ها جهت تأمین هزینه های جامعه است، دولت ها تلاش می کنند که به هر نحو ممکن از کاهش پرداخت مالیات شرکت ها نسبت به نرخ قانونی جلوگیری نمایند. با این حال، شرکت ها انگیزه های متفاوتی برای اجتناب از

¹ Wahab

پرداخت مالیات دارند. مطالعات پیشین در خصوص دلایل اختلاف بین مالیات تشخیصی و ابرازی، استدلال‌های متفاوتی را مطرح می‌کنند (هوانگ و چانگ، ۲۰۱۶).

مطالعات نظری نشان می‌دهند که تفاوت بین مالیات تشخیصی و ابرازی به‌عنوان یک روش پر ریسک در زمینه اجتناب از پرداخت مالیات شناخته می‌شود. بر این اساس، از یک‌سو، افزایش تفاوت بین مالیات تشخیصی و ابرازی و افزایش اجتناب مالیاتی می‌تواند از خروج وجوه نقد در شرکت جلوگیری نماید و در نهایت به بیشینه‌سازی ثروت سهامداران کمک کند. از سوی دیگر، هرچه تلاش شرکت‌ها برای اجتناب از پرداخت مالیات بیشتر گردد، ریسک افشای آن نیز بیشتر می‌گردد. در واقع، ممکن است شرکت‌ها به‌واسطه تلاش برای کاهش پرداخت مالیات در معرض جرائم مالیاتی قرار گیرند (کوبا^۲ و همکاران، ۲۰۱۷). از دیدگاه جامعه نیز به ویژه در کشورهای توسعه‌یافته، پرداخت مالیات به‌عنوان یک مسئولیت اجتماعی شناخته می‌شود و پرداخت آن نشان‌دهنده مشارکت شرکت در فعالیتهای اجتماعی است و به‌نوعی یک اقدام در جهت بهبود تصویر و شهرت شرکت در جامعه تلقی می‌گردد. در صورتی که شرکت متهم به فرار یا اجتناب مالیاتی گردد، تصویر و شهرت شرکت در جامعه به‌شدت آسیب پیدا می‌کند (فینلی^۳ و همکاران، ۲۰۱۹). به بیانی دیگر، می‌توان گفت افزایش تفاوت مالیات تشخیصی و ابرازی شرکت می‌تواند بر ریسک شرکت تأثیرگذار باشد.

اگرچه به صورت نظری، مطالعات نشان می‌دهند که اجتناب از پرداخت مالیات می‌تواند ریسک شرکت را تحت تأثیر قرار دهد ولیکن شواهد تجربی کمی در این خصوص به ویژه در کشورهای در حال توسعه وجود دارد. همچنین سهامداران نهادی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مکانیسم‌های نظارتی در شرکت می‌توانند بر تصمیمات مدیران در شرکت‌ها نظارت بیشتری اعمال و رابطه بین تفاوت مالیات تشخیصی و ابرازی و ریسک شرکت را تعدیل نمایند (وهاب و همکاران، ۲۰۲۲). مطالعات پیشین تأثیر تفاوت مالیات تشخیصی و ابرازی بر ریسک شرکت را از سه دیدگاه مورد بررسی قرار داده‌اند (گراهام^۴ و همکاران، ۲۰۱۲). دیدگاه اول، برنامه‌ریزی مالیاتی، شرکت‌ها تلاش می‌کنند که به‌منظور کاهش خروج منافع و وجوه نقد از شرکت ناشی از پرداخت مالیات، اجتناب مالیاتی را دستور کار خود قرار دهند که این امر با افزایش فاصله بین مالیات تشخیصی و ابرازی خود را نشان می‌دهد. با این حال، اگرچه خروج منافع و وجوه نقد در شرکت می‌تواند برای ذینفعان شرکت‌ها مطلوب باشد، ولیکن در افشای اقدامات شرکت می‌تواند ریسک جرائم مالیاتی و تخریب شهرت شرکت را به همراه داشته باشد، بنابراین از این دیدگاه، افزایش اجتناب مالیاتی منجر به افزایش ریسک می‌گردد (گانتز^۵ و همکاران، ۲۰۱۷).

از دیدگاه مدیریت سود، براساس این دیدگاه، اجتناب از پرداخت مالیات می‌تواند ناشی از اقدامات فرصت‌طلبانه مدیران و ابرازی جهت مدیریت سود در شرکت باشد. استدلال می‌شود که هرچه تفاوت بین مالیات تشخیصی و ابرازی بیشتر باشد، دست‌کاری در صورت‌های مالی بیشتر و کیفیت سود در سطح پایین‌تری وجود دارد. بنابراین می‌توان گفت که کاهش کیفیت سود منجر به افزایش ریسک اطلاعاتی و در نهایت ریسک کلی شرکت می‌گردد (وهاب و همکاران، ۲۰۲۲). دیدگاه تعامل بین قوانین مالیاتی و استانداردهای حسابداری، بر این اساس، تفاوت بین مالیات تشخیصی و ابرازی می‌تواند از اختلاف بین قوانین مالیاتی و حسابداری ناشی گردد. در نتیجه این امر و از آنجایی که سو جریان کمتری در این دیدگاه وجود دارد، کشورها به ویژه کشورهای سرمایه‌پذیر تلاش می‌کنند که تفاوت بین مقررات مالیاتی و مالی را کاهش دهند. در واقع هرچه، اختلاف و عدم انطباق بین تفاوت مالیات تشخیصی و ابرازی و مالی بیشتر باشد، ریسک شرکت گذاری در

¹ Huang & Chang

² Koubaa

³ Finley

⁴ Graham

⁵ Guenther

شرکت نیز بیشتر می‌شود (عبدالوهاب^۱ و همکاران، ۲۰۱۵). نتایج بررسی سه دیدگاه نشان می‌دهد که تلاش برای اجتناب از پرداخت مالیات منجر به افزایش ریسک شرکت می‌گردد. تفاوت بین مالیات تشخیصی و ابرازی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین شاخص‌های اجتناب از پرداخت مالیات به دلایل مختلف از جمله کاهش کیفیت سود، عدم انطباق بین قوانین مالیاتی و حسابداری و مدیریت سود می‌تواند ریسک شرکت را افزایش دهد. همچنین در سطح کلان نیز، افزایش اجتناب از پرداخت مالیات که در نهایت می‌تواند به فرار مالیاتی منجر گردد منجر به کاهش حسن شهرت کشور در سطح جهان می‌گردد. در واقع، تفاوت مالیات تشخیصی و ابرازی توانایی یک کشور برای جمع‌آوری مالیات (حداقل برای برآورده کردن مقدار مالیاتی که از لحاظ نظری باید پرداخت شود) ارائه می‌دهد. بنابراین افزایش شکاف مالیاتی می‌تواند ریسک سیستماتیک در سطح کلان را نیز تحت تأثیر قرار دهد (وهاب و همکاران، ۲۰۲۲).

در خصوص تأثیرگذاری سهامداران فعال بر رابطه بین تفاوت مالیات تشخیصی و ابرازی و ریسک شرکت، تئوری نمایندگی به‌عنوان یک رابطه توضیح‌دهنده شناخته می‌گردد. به موجب مفاهیم تئوری نمایندگی، مدیران در شرکت به دنبال بیشینه‌سازی منافع شخصی خود می‌باشند. این امر منجر به کاهش کیفیت سود و افزایش عدم تقارن اطلاعاتی می‌گردد. عدم تقارن اطلاعاتی نشان‌دهنده وجود اطلاعات محرمانه بین مدیران و ذینفعان شرکت‌ها می‌باشد. براساس این دیدگاه، هدف مدیران از افزایش تلاش جهت اجتناب از پرداخت مالیات، دستیابی به منافع شخصی خود و نه منافع سهامداران است (جنسن^۲ و همکاران، ۱۹۷۶). به همین منظور، مکانیسم‌های مختلفی جهت کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و هزینه‌های نمایندگی در شرکت‌ها شناسایی گردیده است. یکی از مهم‌ترین مکانیسم‌های نظارتی در شرکت‌ها، نظارت سهامداران فعال است. سهامداران فعال به دلیل میزان مالکیت خود در سهام در شرکت و افق زمانی بلندمدت، انگیزه و توانایی بیشتری برای نظارت بر عملکرد مدیران در شرکت‌ها دارند، بنابراین انتظار می‌رود که حضور مدیران سهامداران فعال، منجر به تعدیل رابطه بین تفاوت مالیات تشخیصی و ابرازی و ریسک شرکت می‌گردد (هی^۳ و همکاران، ۲۰۱۶). بنابراین استدلال می‌شود که افزایش سهامداران نهادی در یک شرکت می‌تواند زمینه‌ساز افزایش نظارت، کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و تضاد منافع باشد. با عنایت به استدلال یاد شده، انتظار می‌رود که عملکرد سهامداران فعال در شرکت منجر به کاهش رانت جویی مدیران از طریق اعمال سیاست‌های پر ریسک اجتناب از پرداخت مالیات باشد و به‌نوعی رابطه بین تفاوت مالیات تشخیصی و ابرازی با ریسک شرکت را تعدیل نماید (وهاب و همکاران، ۲۰۲۲).

مالیات به‌عنوان یکی از مهم‌ترین منابع دولت‌ها جهت تأمین هزینه‌های جامعه شناخته می‌شود. دولت‌ها تلاش بسیاری برای کاهش اجتناب از پرداخت مالیات و فرار مالیاتی انجام می‌دهند چرا که مالیات می‌تواند یک درآمد پایدار برای شرکت‌ها باشد. مالیات از دیدگاه جامعه نیز از اهمیت وافری برخوردار است. از دیدگاه جامعه، پرداخت مالیات به‌عنوان مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی شناخته می‌شود و هرچه پرداخت مالیات بیشتر باشد، تصویر شرکت در جامعه نیز بهبود پیدا می‌کند. از سوی دیگر، ریسک شرکت‌ها نیز برای تمامی ذینفعان شرکت‌ها حائز اهمیت است. ورشکستگی یک شرکت می‌تواند تبعات بسیاری از ذینفعان شرکت‌ها از جمله سهامداران، سرمایه‌گذاران، اعتباردهندگان و حتی جامعه داشته باشد. با عنایت به مطالب یاد شده، می‌توان گفت پرداختن به روابط موردنظر در این پژوهش می‌تواند برای طیف وسیعی از ذینفعان شرکت‌ها از جمله سرمایه‌گذاران، اعتباردهندگان، حساب‌برسان، سرمایه‌گذاران، دولت، جامعه و ... از اهمیت وافری برخوردار است.

¹ Abdul Wahab

² Jensen

³ He

با عنایت به مراتب یاد شده هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه بین تفاوت مالیات تشخیصی و ابرازی و ریسک شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران با توجه به نقش سهامداران نهادی است. در ادامه مقاله به ارائه مبانی نظری، روش شناسی، یافته های پژوهش و نتیجه گیری و پیشنهادها اختصاص پیدا کرده است.

فرضیه ها و پیشینه پژوهش

مطالعات پیشین نشان می دهند که افزایش تلاش شرکتها برای کاهش پرداخت مالیات می تواند در تفاوت بین مالیات تشخیصی و ابرازی نمایان گردد. افزایش این تفاوت در نهایت به کاهش کیفیت سود منجر می گردد (گراهام^۱ و همکاران، ۲۰۱۲). هرچه اختلاف بیشتری بین مالیات تشخیصی و ابرازی وجود داشته باشد به این معنی است که شرکتها از خروج وجوه نقد در شرکت ناشی از مالیات جلوگیری کرده و وجوه نقد کمتری از شرکت خارج گردیده است. به ویژه در کوتاه مدت، تلاش شرکتها برای کاهش خروج وجوه نقد از شرکت در نتیجه اجتناب مالیاتی می تواند به افزایش منافع سهامداران و ذینفعان در شرکتها گردد و به پایداری قیمت سهام شرکت منجر گردد. با این حال، اقدامات شرکت به منظور کاهش پرداخت مالیات به عنوان یک راهکار بلندمدت جهت کاهش خروج وجوه نقد از شرکت تلقی نمی شود و با افزایش اقدامات انجام شده، ریسک شناسایی توسط مقامات مالیاتی بیشتر گردیده است و در نهایت ریسک کلی شرکت افزایش پیدا می کند (عبدالوهاب و همکاران، ۲۰۱۵). گونتر و همکاران (۲۰۱۷)، معتقد است که ریسک انباشته ناشی از تفاوت مالیات تشخیصی و ابرازی می تواند در نهایت ریسک کلی شرکت را افزایش دهد. در واقع استفاده از شیوه های اجتناب از پرداخت مالیات در بلندمدت می تواند منجر به جرائم مالیاتی و تخریب تصویر شرکت گردد، بنابراین براساس استدلال گونتر و همکاران (۲۰۱۷)، رابطه بین تفاوت مالیات تشخیصی و ابرازی با ریسک شرکت مثبت می باشد. استدلال دیگر بیان می کند که با افزایش تفاوت مالیات تشخیصی و ابرازی، عدم تقارن اطلاعاتی افزایش و کیفیت سود شرکت کاهش پیدا می کند که این امر می تواند نشان دهنده افزایش ریسک اطلاعاتی و در نهایت ریسک کلی شرکت باشد (وهاب و همکاران، ۲۰۲۲).

از سوی دیگر، یکی از مهم ترین تئوری های توضیح دهنده نقش سهامداران فعال بر رابطه بین تفاوت مالیات تشخیصی و ابرازی و ریسک شرکت، تئوری نمایندگی است. براساس مفاهیم تئوری نمایندگی مدیران در شرکت به دنبال پیشینه سازی منافع شخصی خود و نه منافع سهامداران هستند که این امر در نهایت می تواند منجر به افزایش اقدامات فرصت طلبانه آنها و تخریب ثروت سهامداران و منافع ذینفعان در شرکتها گردد (جنسن و همکاران، ۱۹۷۶). از زمان معرفی تئوری نمایندگی، مکانیسم های مختلفی جهت کاهش تضاد منافع و هزینه های نمایندگی در شرکتها معرفی گردیده است. یکی از مهم ترین مکانیسم های نظارتی، سهامداران نهادی (فعال) می باشد. استدلال می شود که سهامداران فعال به واسطه میزان مالکیت خود و افق زمانی بلندمدت، انگیزه و توانایی زیادی برای نظارت بر عملکرد مدیران در شرکتها دارند، بنابراین افزایش کارایی نظارت می تواند به کاهش تضاد منافع منجر گردد. بر این اساس، از آنجایی که تصمیمات مالیاتی شرکت می تواند ناشی از تضاد منافع و در راستای پیشینه سازی ثروت مدیران در شرکتها باشد، می توان انتظار داشت که نظارت سهامداران نهادی به تعدیل رابطه بین تفاوت مالیات تشخیصی و ابرازی و ریسک شرکت منجر گردد (وهاب و همکاران، ۲۰۲۲).

با عنایت به مطالب یادشده، فرضیه های پژوهش به شرح زیر تدوین می گردد:

✓ فرضیه اول: تفاوت مالیات تشخیصی و ابرازی بر ریسک شرکت تأثیر معناداری دارد.

¹ Geraham

✓ فرضیه دوم: سهامداران فعال (نهادی) تأثیر معناداری بر تأثیر تفاوت مالیات تشخیصی و ابرازی بر ریسک شرکت دارد.

پیشینه پژوهش های داخلی و خارجی

دریایی و همکاران (۱۴۰۳)، به بررسی اثر اجتناب مالیاتی بر استراتژی های مواجهه با ریسک حسابرسی شامل افزایش وقفه زمانی گزارش حسابرسی، افزایش حق الزحمه حسابرسی و اظهار نظر تعدیل شده حسابرسی پرداختند، همچنین نقش تعدیل گر خوانایی صورت های مالی بر این روابط مورد بررسی واقع می شود. مطابق با یافته های پژوهش اجتناب مالیاتی بر متغیرهای وقفه زمانی گزارش حسابرسی و حق الزحمه حسابرسی فاقد اثرگذاری است، اما اجتناب مالیاتی بر اظهار نظر تعدیل شده حسابرسی دارای اثر مثبت است، به این معنا که با افزایش اجتناب مالیاتی، ارائه اظهار نظر تعدیل شده نیز افزایش می یابد. خوانایی صورت های مالی با معیار شاخص طول متن دارای اثر تضعیف کننده بر تأثیر اجتناب مالیاتی بر اظهار نظر تعدیل شده است. پیری و همکاران (۱۴۰۲)، به بررسی تأثیر تعدیل کنندگی ریسک مالی بر رابطه بین حاکمیت شرکتی و اجتناب مالیاتی پرداختند. رای این منظور، ۱۰۱ شرکت نمونه برای یک دوره ۸ ساله در بازه زمانی ۱۳۸۹-۱۳۹۶ بررسی شده است. آزمون فرضیه های پژوهش با استفاده از روش رگرسیون چندمتغیره بر اساس داده های تلفیقی انجام گرفت. نتایج پژوهش بیانگر این است که بین حاکمیت شرکتی و اجتناب مالیاتی رابطه معکوس و معناداری وجود دارد و همچنین ریسک مالی بر رابطه بین حاکمیت شرکتی و اجتناب مالیاتی تأثیر معکوس و معناداری دارد. تاجمر ریاحی و همکاران (۱۴۰۰)، به بررسی تأثیر آشفستگی های بازار مالی بر اجتناب از مالیات شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. روش آزمون این تحقیق روش تحلیل رگرسیون چندمتغیره است. جامعه آماری تحقیق حاضر شامل شرکت های بورسی در سال های بین ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۹ می باشد که با توجه به حذف سیستماتیک، تعداد ۱۱۰ شرکت جهت ادامه تحقیقات انتخاب شدند. نتایج حاکی از آن است که بین آشفستگی مالی و اجتناب از مالیات رابطه منفی و معناداری وجود دارد. بین نسبت جاری و اجتناب از مالیات رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

رزاق و همکاران (۲۰۲۴)، به بررسی تأثیر اندازه شرکت بر رابطه بین اجتناب مالیاتی و نگهداری وجوه نقد پرداختند. جامعه آماری آنان شرکت های حاضر در بورس اوراق بهادار مسقط (عمان) می باشد. دوره مطالعاتی آنان سال های ۲۰۱۱ الی ۲۰۲۰ می باشد. به منظور آزمون فرضیه ها از رگرسیون چندگانه استفاده گردیده است. یافته های آنان نشان می دهند که بین نگهداری وجوه نقد و اجتناب مالیاتی رابطه مثبت و معنادار می باشد. اندازه شرکت رابطه بین اجتناب مالیاتی و نگهداری وجوه نقد را تضعیف می کند. رینی و همکاران (۲۰۲۳)، به بررسی رابطه بین افشای زیست محیطی و اجتناب مالیاتی پرداختند. جامعه آماری آنان شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار استرالیا می باشد. دوره مطالعاتی آنان نیز سال های ۲۰۱۱ الی ۲۰۱۹ است. همچنین به منظور آزمون فرضیه های پژوهش نیز از روش رگرسیون خطی استفاده گردیده است. یافته های آنان نشان می دهد که بین افشای زیست محیطی و اجتناب مالیاتی رابطه منفی و معناداری وجود دارد. وهاب و همکاران (۲۰۲۲)، در پژوهشی به بررسی رابطه بین تفاوت مالیات تشخیصی و ابرازی با ریسک شرکت پرداختند. همچنین آنان تأثیر سهامداران فعال بر این رابطه را نیز مورد بررسی قرار دادند. جامعه آماری آنان شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار مالزی می باشد. بازه زمانی مورد پژوهش نیز سال های ۲۰۱۳ الی ۲۰۱۷ می باشد. یافته های آنان نشان می دهد که تفاوت مالیات تشخیصی و ابرازی با ریسک شرکت رابطه مثبت و معناداری دارد و حضور سهامداران فعال در شرکت منجر به تعدیل این رابطه می شود.

روش شناسی پژوهش

پژوهش حاضر در زمره پژوهش‌های کاربردی قرار می‌گیرد چراکه انتظار می‌رود یافته‌های این پژوهش در تصمیم‌گیری‌های ذینفعان شرکت مفید واقع شود. همچنین این پژوهش از حیث زمان اجرا از نوع گذشته‌نگر است به این معنی که با استفاده از داده‌های سال‌های گذشته شرکت‌های نمونه به آزمون فرضیه‌های پژوهش پرداخته می‌شود. همچنین از آنجایی که با استفاده از شرکت‌های نمونه به تصمیم‌گیری در خصوص روابط موردنظر در این پژوهش پرداخته می‌شود، می‌توان گفت این پژوهش از نظر نوع استدلال نیز در زمره پژوهش‌های استقرایی است. به منظور آزمون فرضیه‌های پژوهش نیز از شیوه رگرسیون چندگانه استفاده می‌گردد. جامعه آماری پژوهش حاضر شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی ۱۳۹۵ الی ۱۴۰۱ است. همچنین با استفاده از روش غربالگری حذف هدفمند، تعداد ۱۰۵ شرکت به عنوان نمونه انتخاب گردید.

به منظور آزمون فرضیه‌های پژوهش مدل‌های (۱) و (۲) به پیروی از کورت و همکاران (۲۰۲۳)، به شرح زیر برآورد می‌شود:

$$\text{RISK}_{it} = \alpha_0 + \beta_1 \text{BTD}_{it} + \beta_2 \text{ROA}_{it} + \beta_3 \text{MTB}_{it} + \beta_4 \text{LQY}_{it} + \beta_5 \text{LEV}_{it} + \beta_6 \text{DIV}_{it} + \beta_7 \text{FS}_{it} + \epsilon_{it} \quad \text{مدل (۱)}$$

$$\text{RISK}_{it} = \alpha_0 + \beta_1 \text{BTD}_{it} + \beta_2 \text{INST}_{it} + (\beta_3 \text{INST}_{it} * \text{BTD}) + \beta_4 \text{ROA}_{it} + \beta_5 \text{MTB}_{it} + \beta_6 \text{LQY}_{it} + \beta_7 \text{LEV}_{it} + \beta_8 \text{DIV}_{it} + \beta_9 \text{FS}_{it} + \epsilon_{it} \quad \text{مدل (۲)}$$

در مدل‌های فوق:

متغیر مستقل

BTD: تفاوت مالیات تشخیصی و ابرازی

به پیروی از وهاب و همکاران (۲۰۲۲)، برابر است با قدر مطلق تفاوت بین مالیات ابراز شده شرکت و مالیات تشخیصی توسط مأمورین مالیاتی.

این اطلاعات در یادداشت‌های پیوست صورت‌های مالی شرکت پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران منتشر می‌گردد.

متغیر وابسته

RISK: ریسک شرکت

به پیروی از وهاب و همکاران (۲۰۲۲)، به منظور اندازه‌گیری ریسک شرکت از معیار ریسک کل استفاده می‌شود. ریسک کل برابر است با انحراف معیار سالانه بازده روزانه سهام شرکت.

متغیر تعدیلگر

INST: سهامداران نهادی

به پیروی از سانراتو و همکاران (۲۰۲۱)، برابر است با مجموع درصد سهامدارانی که بیش از ۵ درصد سهام شرکت را در اختیار دارند.

متغیرهای کنترلی

به پیروی از وهاب و همکاران (۲۰۲۲)، متغیرهای کنترلی به شرح زیر تعریف می شوند:

ROA: بازده دارایی ها، برابر است با نسبت سود عملیاتی به کل دارایی ها.

MTB: فرصت های رشد، برابر است با نسبت ارزش بازار سهام شرکت به ارزش دفتری کل دارایی های شرکت.

LQY: نقدینگی شرکت، برابر است با نسبت دارایی جاری به بدهی های جاری.

LEV: اهرم مالی، برابر است با نسبت جمع کل بدهی به کل دارایی ها.

DIV: سود تقسیمی، در صورتی که شرکت در سال مورد بررسی تقسیم سود انجام داده باشد یک و در غیر این صورت صفر.

FS: اندازه شرکت، برابر است با لگاریتم طبیعی کل دارایی های شرکت.

یافته‌های پژوهش

در ادامه به بررسی آماره‌های توصیفی و نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش پرداخته می شود.

آماره‌های توصیفی پژوهش

آماره‌های توصیفی پژوهش در جدول (۱) ارائه گردیده است. آماره‌های توصیفی شامل میانگین، میانه، حداقل، حداکثر و انحراف معیار هر متغیر می‌باشد. میانگین اصلی‌ترین شاخص مرکزی است که نشان‌دهنده نقطه تعادل و مرکز ثقل توزیع است و شاخص خوبی برای نشان دادن مرکزیت داده‌ها است. میانه مقداری است که ۵۰ درصد داده‌های نمونه پایین‌تر از آن و ۵۰ درصد بالاتر از آن قرار می‌گیرند. به‌طور کلی از میانه به‌عنوان اندازه تمایل به مرکز توزیع‌هایی که شکل آن‌ها غیرممتقارن است، استفاده می‌شود. انحراف معیار مهم‌ترین پارامتر پراکندگی است که از جذر واریانس به دست می‌آید این شاخص، نشان‌دهنده متوسط نوسان مشاهدات از میانگین آن‌ها است. میانگین ریسک شرکت نشان‌دهنده عدد ۵٫۶۲ می‌باشد با توجه به این که این معیار، معیار معکوس ریسک شرکت می‌باشد هرچه این عدد بیشتر باشد، ریسک شرکت کاهش پیدا می‌کند. میانگین تفاوت مالیات تشخیصی و ابرازی نشان‌دهنده عدد ۰٫۰۷ می‌باشد هرچه این عدد بیشتر باشد، اجتناب مالیات شرکت نیز بیشتر است. میانگین سهامداران نهادی شرکت ها نشان‌دهنده عدد ۰٫۶۷ می‌باشد به این معنی که بیش از ۶۷ درصد سهام شرکت های نمونه در اختیار سهامداران نهادی است. میانگین بازده دارایی ها نشان‌دهنده عدد ۰٫۱۸ می‌باشد به این معنی که مدیران شرکت های نمونه توانسته اند به ازای هر واحد دارایی تحت اختیار، ۱۸ درصد سود کسب نمایند. میانگین فرصت های رشد نشان‌دهنده عدد ۳٫۴۱ می‌باشد به این معنی که ارزش بازار شرکت های نمونه بیش از ۳٫۴۱ برابر ارزش دفتری این شرکت ها است. میانگین نقدینگی شرکت های نمونه نشان‌دهنده عدد ۱٫۶۳ می‌باشد به این معنی که دارایی های جاری این شرکت ها بیش از ۱٫۶ برابر بدهی های جاری این شرکت ها می‌باشد. میانگین اهرم مالی نشان‌دهنده عدد ۰٫۵۳ می‌باشد به این معنی که مدیران شرکت های نمونه تمایل بیشتری به تامین مالی از طریق بدهی دارند چرا که به ازای هر واحد دارایی، ۵۴ درصد بدهی در شرکت های نمونه وجود دارد. میانگین اندازه شرکت های نمونه نیز ۱۵٫۱۸ می‌باشد.

جدول (۱): آماره‌های توصیفی پژوهش

نام فارسی	نماد	میانگین	میانه	بیشترین	کمترین	انحراف معیار
ریسک شرکت	RISK	۵٫۶۰۲	۵٫۳۴۳	۹٫۴۲۱	۳٫۲۰۳	۱٫۶۶۷
تفاوت مالیات تشخیصی و ابرازی	BTD	۰٫۰۷۲	۰٫۰۴۰	۰٫۳۳۶	-۰٫۰۶۶	۰٫۱۰۶
سهامداران نهادی	INST	۰٫۶۷۹	۰٫۷۲۰	۰٫۹۲۰	۰٫۲۴۰	۰٫۱۸۵

۰,۱۳۳	-۰,۰۲۰	۰,۴۴۹	۰,۱۵۴	۰,۱۸۳	ROA	بازده دارایی ها
۲,۸۵۹	۰,۵۶۸	۱۱,۱۲۶	۲,۴۵۸	۳,۴۱۴	MTB	فرصت های رشد
۰,۶۹۷	۰,۶۹۲	۳,۴۲۱	۱,۴۶۲	۱,۶۳۲	LQY	نقدینگی شرکت
۰,۱۸۷	۰,۲۰۰	۰,۸۶۸	۰,۵۳۴	۰,۵۳۵	LEV	اهرم مالی
۱,۴۲۴	۱۲,۹۸۹	۱۸,۵۱۸	۱۴,۹۸۲	۱۵,۱۸۶	SIZE	اندازه شرکت

مأخذ: یافته‌های پژوهش

با توجه به نتایج جدول ۲ با عنوان توزیع فراوانی می توان گفت که در حدود ۹۰ درصد مشاهدات شرکت های مورد بررسی نسبت به تقسیم سود اقدام نموده اند.

جدول (۲): توزیع فراوانی برای متغیرهای مجازی

متغیر	صفر		یک	
	فراوانی	درصد فراوانی	فراوانی	درصد فراوانی
سود تقسیمی	۱۰۲	۰/۱۰	۶۳۳	۰/۹۰

مأخذ: یافته‌های پژوهش

نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش

قبل از پرداختن به نتایج فرضیه‌های پژوهش لازم است که فروض کلاسیک در خصوص مدل‌های رگرسیونی موردبررسی قرار گیرد. نتایج فروض کلاسیک شامل نرمال بودن باقیمانده‌ها، ناهمسانی واریانس و خودهمبستگی سریالی در جدول (۳) و (۴) ارائه شده است. بر اساس نتایج این جداول باقیمانده‌های مدل (۱) الی مدل (۲) پژوهش نرمال می‌باشند. همچنین این مدل‌ها پژوهش با مشکل ناهمسانی واریانس مواجه می‌باشند، بنابراین این مدل‌ها با رگرسیون حداقل مربعات تعمیم یافته آزمون گردیده‌اند. در نهایت با توجه به مقدار آماره دوربین واتسون متغیرهای پژوهش با مشکل خودهمبستگی سریالی مواجه نمی‌باشند. نتایج آزمون هم خطی نیز حاکی از آن است که بین متغیرهای پژوهش هم خطی وجود ندارد. در نهایت با توجه به نتایج آزمون چاو و هاسمن، این مدل‌ها، با استفاده از الگوی داده‌های تابلویی و روش اثرات ثابت برآورد می‌شوند.

نتایج آزمون فرضیه اول پژوهش

فرضیه اول پژوهش بیان می کند که بین تفاوت مالیات تشخیصی و ابزاری و ریسک شرکت رابطه منفی و معناداری وجود دارد. با توجه به نتایج جدول (۳)، تفاوت مالیات تشخیصی و ابزاری رابطه منفی و معناداری با ریسک شرکت دارد، بنابراین فرضیه اول پژوهش در سطح اطمینان ۹۵ درصد رد نمی شود. با عنایت به این که به منظور اندازه گیری ریسک از شاخص معکوس استفاده گردیده است. این یافته ها حاکی از آن است که افزایش تفاوت مالیات تشخیصی و ابزاری منجر به کاهش سلامت مالی شرکت و افزایش ریسک ورشکستگی می گردد. در بین متغیرهای کنترلی بازده دارایی ها، نقدینگی شرکت و اهرم مالی دارای رابطه معناداری با ریسک شرکت در سطح اطمینان ۹۵ درصد می باشند. با توجه به نتایج آزمون مدل رگرسیون مشاهده می‌شود که سطح معناداری آماره F که معناداری کل رگرسیون را نشان می‌دهد، کمتر از ۵٪ است؛ به این مفهوم که مدل در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار است. ضریب تعیین تعدیل شده بیان کننده این مطلب است که تقریباً ۷۰ درصد از تغییرات متغیر وابسته با متغیرهای مستقل مدل تبیین می‌شود. همچنین با توجه به اینکه مقدار دوربین واتسون بین ۱/۵ و ۲/۵ است می توان گفت بین متغیرهای پژوهش مشکل خود همبستگی سریالی وجود ندارد.

جدول (۳): نتایج آزمون مدل اول

نام فارسی	نماد	ضریب	خطای استاندارد	آماره t	معناداری	عامل تورم
تفاوت مالیات تشخیصی و ابرازی	BTD	-۱,۴۳۲	۰,۲۴۴	-۵,۸۷۱	۰,۰۰۰	۱,۸۴۰
بازده دارایی‌ها	ROA	۲,۲۷۰	۰,۱۸۵	۱۲,۲۴۵	۰,۰۰۰	۱,۶۶۷
فرصت های رشد	MTB	۰,۰۰۳	۰,۰۰۷	۰,۵۱۶	۰,۶۰۶	۱,۰۳۵
نقدینگی شرکت	LQY	۰,۷۲۹	۰,۰۴۵	۱۶,۱۳۰	۰,۰۰۰	۲,۷۳۷
اهرم مالی	LEV	-۴,۶۷۳	۰,۱۶۳	-۲۸,۶۸۲	۰,۰۰۰	۲,۵۶۹
سود تقسیمی	DIV	۰,۱۱۳	۰,۰۶۱	۱,۸۴۶	۰,۰۶۵	۱,۲۴۰
اندازه شرکت	SIZE	۰,۰۲۳	۰,۰۱۴	۱,۶۰۹	۰,۱۰۸	۱,۱۳۴
عرض از مبدا	C	۵,۹۳۹	۰,۲۶۶	۲۲,۳۶۴	۰,۰۰۰	-
دوربین واتسون	۱/۶۰	ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۷۰			
آماره F	۹۹/۱۵	احتمال آماره F	۰/۰۰			
آماره آزمون جارکو-برا - نرمال بودن باقیمانده‌های مدل	۶۳/۵۲	احتمال آماره جارکو-برا	۰/۰۹			
آماره آزمون ناهمسانی بروش پاگان گادفری	۳/۱۸	احتمال آماره آزمون ناهمسانی	۰/۰۷			
آماره آزمون چاو	۲/۷۹	احتمال آماره آزمون چاو	۰/۰۰			
آماره آزمون هاسمن	۲۲/۴۸	احتمال آماره آزمون هاسمن	۰/۰۰			

مأخذ: یافته‌های پژوهش

نتایج آزمون فرضیه دوم پژوهش

فرضیه دوم پژوهش بیان می‌کند که سهامداران فعال بر رابطه بین مالیات تشخیصی و ابرازی و ریسک شرکت تاثیر معناداری دارد. با توجه به نتایج جدول (۴)، ضریب تعاملی سهامداران نهادی و تفاوت مالیات تشخیصی و ابرازی تاثیر منفی و معناداری بر ریسک شرکت دارد، بنابراین فرضیه دوم پژوهش در سطح اطمینان ۹۵ درصد رد نمی‌شود. با عنایت به قدر مطلق ضرایب متغیرهای حاصل ضریبی و مستقل می‌توان گفت که سهامداران نهادی منجر به تضعیف تاثیر تفاوت مالیات تشخیصی و ابرازی بر ریسک شرکت می‌گردد. در بین متغیرهای کنترلی بازده دارایی‌ها، نقدینگی شرکت، اهرم مالی، سیاست‌های تقسیم سود و اندازه شرکت دارای رابطه معناداری با ریسک شرکت در سطح اطمینان ۹۵ درصد می‌باشند. با توجه به نتایج آزمون مدل رگرسیون مشاهده می‌شود که سطح معناداری آماره F که معناداری کل رگرسیون را نشان می‌دهد، کمتر از ۵٪ است؛ به این مفهوم که مدل در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار است. ضریب تعیین تعدیل شده بیان‌کننده این مطلب است که تقریباً ۵۷ درصد از تغییرات متغیر وابسته با متغیرهای مستقل مدل تبیین می‌شود. همچنین با توجه به اینکه مقدار دوربین واتسون بین ۱/۵ و ۲/۵ است می‌توان گفت بین متغیرهای پژوهش مشکل خود همبستگی سریالی وجود ندارد.

جدول (۴): نتایج آزمون مدل دوم پژوهش

نام فارسی	نماد	ضریب	خطای استاندارد	آماره t	معناداری	عامل تورم
تفاوت مالیات تشخیصی و ابرازی	BTD	-۱,۴۳۲	۰,۴۰۶	-۳,۵۲۷	۰,۰۰۰	۹,۱۱۱
سهامداران نهادی	INST	۰,۰۳۶	۰,۰۶۳	۰,۵۶۹	۰,۵۷۰	۱,۶۰۴
نسبت همزمان سهامداران نهادی و تفاوت مالیات تشخیصی و ابرازی	INST*BTD	-۰,۰۸۷	۰,۵۳۶	-۲,۱۶۲	۰,۰۰۹	۸,۲۸۸

۱,۶۸۱	۰,۰۰۰	۲۷,۳۷۵	۰,۰۸۴	۲,۳۱۱	ROA	بازده دارایی‌ها
۱,۰۴۱	۰,۳۵۳	۰,۹۲۹	۰,۰۰۳	۰,۰۰۳	MTB	فرصت های رشد
۲,۷۸۱	۰,۰۰۰	۳۴,۳۷۶	۰,۰۲۴	۰,۸۱۳	LQY	نقدینگی شرکت
۲,۵۹۷	۰,۰۰۰	-۴۸,۰۰۸	۰,۰۸۴	-۴,۰۱۲	LEV	اهرم مالی
۱,۲۴۵	۰,۰۰۰	۴,۵۰۵	۰,۰۳۲	۰,۱۴۲	DIV	سود تقسیمی
۱,۲۳۷	۰,۰۰۱	۳,۲۵۶	۰,۰۰۷	۰,۰۲۴	FS	اندازه شرکت
-	۰,۰۰۰	۴۲,۰۰۶	۰,۱۲۷	۵,۳۴۰	C	عرض از میدا
۰/۵۷	ضریب تعیین تعدیل شده			۱/۶۶	دوربین واتسون	
۰/۰۰	احتمال آماره F			۲۹/۶۸	آماره F	
۰/۰۷	احتمال آماره جارکو-برا			۷۸/۱۲	آماره آزمون جارکو-برا - نرمال بودن باقیمانده‌های مدل	
۰/۰۵	احتمال آماره آزمون ناهمسانی			۳/۰۲	آماره آزمون ناهمسانی بروش پاگان گادفری	
۰/۰۰	احتمال آماره آزمون چاو			۲/۷۹	آماره آزمون چاو	
۰/۰۰	احتمال آماره آزمون هاسمن			۱۵/۶۲	آماره آزمون هاسمن	

مأخذ: یافته‌های پژوهش

بحث و نتیجه‌گیری

تفاوت مالیات تشخیصی و ابرازی به معنی اختلاف مبلغ مالیاتی است که شرکت در صورت های مالی خود اعلام کرده است و مبلغ مالیاتی که توسط مأمورین مالیاتی برای شرکت تعیین می‌گردد. در سطح کشور، تفاوت مالیات تشخیصی و ابرازی می‌تواند یکی از مهم ترین نشانه های شکاف مالیاتی باشد (وهاب و همکاران، ۲۰۲۲). هرچه شکاف مالیاتی بیشتر باشد، ممکن است به معنی تلاش شرکت ها برای کاهش پرداخت مالیات یا اجتناب از پرداخت مالیات باشد. دولت ها تلاش می‌کنند که شکاف مالیاتی در شرکت ها را کاهش دهند با این حال به دلایل مختلف اجتناب از پرداخت مالیات می‌تواند جزو برنامه های شرکت باشد. در خصوص دلایل وجود اختلاف بین مالیات تشخیصی و ابرازی استدلال های مختلفی وجود دارد (هوانگ و چانگ، ۲۰۱۶). از لحاظ نظری، تفاوت بین مالیات تشخیصی و ابرازی یک رفتار ریسکی در زمینه برنامه ریزی مالیاتی شناخته می‌شود. اجتناب از پرداخت مالیات از یک سو می‌تواند از خروج وجوه نقد از شرکت جلوگیری کند و منجر به بیشینه سازی ثروت سهامداران گردد ولیکن از سوی دیگر، در صورت تشخیص اقدامات شرکت در زمینه اجتناب مالیاتی، متهم شدن به فرار مالیاتی و مخدوش شدن تصویر شرکت در جامعه می‌تواند یک رفتار بسیار پرریسک شناخته گردد.

فرضیه اول پژوهش بیان می‌کند که بین تفاوت مالیات تشخیصی و ابرازی و ریسک شرکت رابطه معناداری وجود دارد. با توجه به نتایج جدول (۳)، تفاوت مالیات تشخیصی و ابرازی رابطه منفی و معناداری با ریسک شرکت (شاخص معکوس ریسک شرکت) دارد، بنابراین فرضیه اول پژوهش در سطح اطمینان ۹۵ درصد رد نمی‌شود. این یافته ها حاکی از آن است که با افزایش تفاوت مالیات تشخیصی و ابرازی، ریسک شرکت نیز افزایش پیدا می‌کند. تفاوت مالیات تشخیصی و ابرازی یکی از معیار های شناسایی اجتناب مالیاتی است، هرچه تفاوت بیشتر باشد، اجتناب مالیاتی شرکت نیز بیشتر ارزیابی می‌گردد. افزایش اجتناب مالیاتی در شرکت ها اگرچه در ابتدا می‌تواند از خروج وجوه نقد در شرکت جلوگیری کند ولیکن در صورت افشای اجتناب مالیاتی، جرائم مالیات و تخریب تصویر شرکت می‌تواند در نهایت ورشکستگی شرکت را به دنبال داشته باشد. به بیانی دیگر، اجتناب از پرداخت مالیات از یک سو می‌تواند از خروج وجوه نقد از شرکت جلوگیری کند و منجر به بیشینه سازی ثروت سهامداران گردد ولیکن از سوی دیگر، در صورت تشخیص اقدامات شرکت

در زمینه اجتناب مالیاتی، متهم شدن به فرار مالیاتی و مخدوش شدن تصویر شرکت در جامعه می تواند یک رفتار بسیار پر ریسک شناخته گردد. این یافته ها با نتایج کوبا و همکاران (۲۰۱۷)، و هواهنگ و چانگ (۲۰۱۶)، در یک راستا قرار دارد.

فرضیه دوم پژوهش بیان می کند که سهامداران فعال بر رابطه بین مالیات تشخیصی و ابرازی و ریسک شرکت تاثیر معناداری دارد. با توجه به نتایج جدول (۴)، نسبت همزمان سهامداران نهادی و تفاوت مالیات تشخیصی و ابرازی تاثیر منفی و معناداری بر ریسک (شاخص معکوس ریسک شرکت) شرکت دارد، بنابراین فرضیه دوم پژوهش در سطح اطمینان ۹۵ درصد رد نمی شود. یافته های این فرضیه حاکی از آن است که در حضور سهامداران نهادی در شرکت، رابطه بین مالیات تشخیصی و ابرازی و ریسک شرکت تشدید می گردد. استدلال می شود که افزایش سهامداران نهادی در یک شرکت می تواند زمینه ساز افزایش نظارت، کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و تضاد منافع باشد. با عنایت به استدلال یاد شده، انتظار می رود که عملکرد سهامداران فعال در شرکت منجر به کاهش رانت جویی مدیران از طریق اعمال سیاست های پر ریسک اجتناب از پرداخت مالیات باشد و به نوعی رابطه بین تفاوت مالیات تشخیصی و ابرازی با ریسک شرکت را تعدیل نماید. بنابراین هنگامی که در شرکت های دارای سهامداران نهادی، اجتناب مالیاتی رخ می دهد، تفاوت مالیات تشخیصی و ابرازی تاثیر بیشتری بر ریسک شرکت دارد.

با عنایت به یافته های فرضیه اول پژوهش به تصمیم گیرندگان شرکت ها توصیه می شود که به منظور جلوگیری از افزایش ریسک شرکت و کاهش ارزش شرکت و تخریب ثروت سهامداران، از اقداماتی که از نظر قوانین مالیاتی به عنوان اجتناب مالیاتی لحاظ می شوند، خودداری نمایند. با عنایت به یافته های فرضیه دوم پژوهش به تصمیم گیرندگان شرکت ها توصیه می شود که سهامداران نهادی در شرکت به واسطه قدرت و اختیاری که در تصمیمات شرکت ها دارند، نسبت به تقویت مکانیسم های حاکمیت شرکتی از جمله واحد حسابرسی داخلی اقدام نمایند.

منابع

- ✓ پیری، پرویز، سارانی ملاک، فاطمه، کاظمی، توحید، (۱۴۰۲)، بررسی تاثیر تعدیل کنندگی ریسک مالی بر رابطه بین حاکمیت شرکتی و اجتناب مالیاتی در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، مجله مدیریت مالی و حسابداری، دوره ۳، شماره ۲، صص ۱۲-۲۱.
- ✓ تاجمیر ریاحی، حامد، اسدی، زهرا، (۱۴۰۰)، تأثیر آشفستگی مالی بر اجتناب از پرداخت مالیات در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، پژوهش های راهبردی بودجه و مالی، دوره ۲، شماره ۴، صص ۷۳-۱۰۱.
- ✓ دریائی، عباسعلی، موسوی، سیدسپهر، (۱۴۰۳)، اثر اجتناب مالیاتی بر استراتژی های مواجهه با ریسک حسابرسی، نقش تعدیل گر خوانایی صورت های مالی، حسابداری و بودجه ریزی بخش عمومی، دوره ۵، شماره ۲، صص ۵۱-۷۵.
- ✓ Abdul Wahab, N. S., & Holland, K. (2015). The persistence of book-tax differences. *British Accounting Review*, 47(4), 339–350. <https://doi.org/10.1016/j.bar.2014.06.002>.
- ✓ Amri, K., Ben Mrad Douagi, F.W. and Guedrib, M. (2022), "The impact of internal and external corporate governance mechanisms on tax aggressiveness: evidence from Tunisia", *Journal of Accounting in Emerging Economies*, Vol. ahead-of-print No. ahead-of-print. <https://doi.org/10.1108/JAEE-01-2021-0019>
- ✓ Bradshawa, Mark, Guanmin Liaob, Mark (Shuai) Ma(2019). Agency costs and tax planning when the government is a major Shareholder. *Journal of Accounting and Economics*. <https://doi.org/10.1016/j.jacceco.2018.10.002>
- ✓ Finley, A. R., & Ribal, A. (2019). The information content from releases of the deferred tax valuation allowance. *Journal of the American Taxation Association*, 41 (2), 83–101. <https://doi.org/10.2308/atax-52394>.

- ✓ Graham, J. R., Raedy, J. S., & Shackelford, D. A. (2012). Research in accounting for income taxes. *Journal of Accounting and Economics*, 53(1–2), 412–434. <https://doi.org/10.1016/j.jacceco.2011.11.006>.
- ✓ Guenther, D. A., Matsunaga, S. R., & Williams, B. M. (2017). Is tax avoidance related to firm risk? *The Accounting Review*, 92(1), 115–136. <https://doi.org/10.2308/accr-51408>.
- ✓ He, X., Eden, L., & Hitt, M. A. (2016). Shared governance: Institutional investors as a counterbalance to the state in state owned multinationals. *Journal of International Management*, 22(2), 115–130. <https://doi.org/10.1016/j.intman.2016.01.004>.
- ✓ Jensen, M. C., & Meckling, W. H. (1976). Theory of the firm: Managerial behavior, agency costs and ownership structure. *Journal of Financial Economics*, 3(4), 305–360. [https://doi.org/10.1016/0304-405X\(76\)90026-X](https://doi.org/10.1016/0304-405X(76)90026-X).
- ✓ Khaoula, F., & Moez, D., (2019). The moderating effect of the board of directors on firm value and tax planning: Evidence from European listed firms, *Borsa_ Istanbul Review*, <https://doi.org/10.1016/j.bir.2019.07.005>
- ✓ Koubaa, R. R., & Jarboui, A. (2017). Direct and mediated associations among earnings quality, book-tax differences and the audit quality. *Journal of Financial Reporting and Accounting*, 15(3), 293–316. <https://doi.org/10.1108/JFRA-06-2016-0052>.
- ✓ Sunarto, Sunarto, Widjaja, Budiadi, Meita Oktaviani, Rachmawati (2021). The Effect of Corporate Governance on Tax Avoidance: The Role of Profitability as Mediating Variable, *Journal of Asian Finance, Economics and Business* Vol 8 No 3 (2021) 0217–0227.
- ✓ Wahab, Nor Shaipah Abdul, Collins G. Ntim, Wei Ling Tye, Mohammad Hassan Shakil (2022). Book-tax differences and risk: Does shareholder activism matter? *Journal of International Accounting, Auditing and Taxation*, 5(1):20-33